



مانکن‌های پشت‌و‌پتیرین مدل‌سازان فرهنگی هستند!

معصومه طاهری

کافی است برای اینکه بدانیم چه تیپ و لباسی مد روز است تنها به مانکن‌های پشت و پتیرین نگاهی بیندازیم؛ مانکن‌های زن و مردی که در تیپ و هیکل‌های مختلف جلوه‌گری می‌کنند و نگاه‌ها را به سمت خود می‌کشانند؛ عروسک‌های بزرگ انسان نمایی که اغلب در کنار ورودی مغازه‌ها و فروشگاه‌ها قرار گرفته‌اند و گاهی تشخیص واقعی یا ساختگی بودن آنها سخت است. متأسفانه این روزها مانکن‌ها هر نوع پوششی را به مشتری القا می‌کنند که چنین چیزی مد روز است! این عروسک‌های انسان نما مستقیم و غیرمستقیم مروج لباس‌های شده‌اند که با سبک زندگی اسلامی و ایرانی ما در تضادند. جای تعجب دارد که هیچ کس یا هیچ ارگانی نیست که به این مسئله رسیدگی جدی داشته باشد گویا بازسان تنها نظارت می‌کنند و کاری به این مدل‌های غریبی هستند که گاه حتی آنها را با کره‌داند و چه جلوه‌گری دارند.

در این میان رفقی هم بین مانکن‌های زن و مرد نیست. مانکن‌های مرد هم در هیبت مردانه با تیپ‌های غریبی هستند که گاه حتی آنها را با انسان‌های واقعی اشتباه می‌گیریم. چند روز پیش یکی از دوستان درحالی‌که با تلفن همراه خود صحبت می‌کرد محکم به یکی از همین مانکن‌های بلند قامت مرد برخورد کرد؛ مانکن به‌قدری واقعی به نظر می‌رسید که بنده خدا از ناراحتی شروع به عذرخواهی کرد بعد تازه متوجه شد مخاطبش تنها یک مانکن لباس بوده‌است و پس حقیقت امر آن است که این روزها به سختی می‌توان عروسک جلوی مغازه یا پشت وپتیرین را با انسان تشخیص داد از بس هیبت طاهری طبیعی دارند و البته پوشش‌های نامناسب به خصوص مانکن‌های زنانه که عملاً نوع و

چگونه پوشیدن را هم به دختران و زنان آموزش می‌دهند. سناپورت‌های ناچور و رنگی که گویا آب هم رفته و کوتاه‌تر شده‌اند و ماتوهایی که اصلاً در شأن یک بانوی مسلمان نیستند یا نحوه سر کردن روسری و شال یا مدل دادن موها!

جالب است که چشم و همه‌چشمی میان مانکن‌ها هم ورود پیدا کرده است و هر بار که کدام در تیسپ و هیبتی جدید ارائه گر مد و الگویی تازه هستند که کاملاً در جهت مخالف فرهنگ حجاب و عفاف کلامی و کاغذی مسئولان پیش می‌روند. این به نحوه پوشش زنان خیابانی و افراد متعلق حجاب و عقال نگاهی بیندازیم هیچ تفاوتی با مانکن‌های

فرهنگ و هنر



کارگردان نمایش «روزهای بی‌باران» در گفت‌وگو با «جوان»:

تئاتر برای من در خلق روابط پیچیده میان آدم‌ها خلاصه می‌شود

■ **احمدمحمدتبریزی**

نمایش «روزهای بی‌باران» که در سالن سایه تئاتر شهر به روی صحنه می‌رود، داستان پیچیده روابط میان آدم‌ها را روایت می‌کند. نمایشی که با دوری از طراحی صحنه و نورپردازی و موسیقی، با کارگردانی ساده‌اش تمام تمرکزش را روی دیالوگ‌ها و خلق روابط میان شخصیت‌ها گذاشته است. امین بهرزی نویسنده و کارگردان «روزهای بی‌باران» در گفت‌وگو با «جوان» از فضای نمایش و حال و هوایی که در «روزهای بی‌باران» به وجود آمده، می‌گوید.

■ ■ ■

«روزهای بی‌باران» همانند کار قبلی‌ات ساده‌بدون طراحی صحنه و ترکیب مونولوگ و دیالوگ اجرا شد. دلیل علاقتان به این سبک‌از چه چیزی نشأت می‌گیرد؟

من این سبک کار را دوست دارم. بخشی از این سبک به لحاظ قصه و ساختار بر اساس سلیقه‌من و تحیل مخاطب است. من خیلی تئاتر می‌بینم یا نمی‌فهمم چیست یا نقد به عناصر دیگر مثل موسیقی، نور و طراحی صحنه است که داستان در آن جایی ندارد. من هم می‌توانستم در کارم موسیقی بگذارم، نورپردازی کنم و صحنه‌های حسی را حسی‌تر کنم ولی گفتم اینها مهم نیست و عروسک‌های انسان‌نما و چه افرادی که مروج نمی‌خواهم سمتشان بروم چون من نگاهی دارم که تصویرساز تئاتر، بازیگرانم هستند. گروه در روابط میان شخصیت‌ها، زمان و مونولوگ و دیالوگ را ایلیسم ساده نیستم و فرمی دارم. صحنه و شکل روایت رئالیسم خطی نیست ولی در بازی و شکل اجرایی این سادگی را خیلی دوست دارم.

این سادگی به یک عنصر جذاب برای نمایش تبدیل شده‌است.

حتی بازیگرانی که اولین کارشان با من بود، می‌ترسیدند که نمایش، موسیقی و نورپردازی ندارد. من اصرار داشتم که نداشته باشیم چون چیزی دیگری برای مهم است. اول به نخیل مخاطب تکیه می‌کنیم و سعی می‌کنیم مخاطب را در اجرا باوریم تا تحیل کند. حتی مابه‌معنایی حرکت‌های ریتالیستی در نمایش نداریم. من به تعمد اینها را برداشتم. غیر از بازی ریتالیستی تمام عناصر ریتالیستی را برداشتم برای اینکه

یک چهره سحر بی بازیگر و تماشاگر برسیم. حتی به بازیگری می‌گفتم، راه‌نویم چون چشم تماشاگر با قدم‌های شما حرکت می‌کند و تمرکز برداشته می‌شود. روایت، فرم‌گرایانه است و سعی می‌کنیم تماشاگر روی بازیگر متمرکز شود و چیز دیگری توجهش را جلب نکند. یک صحنه خیلی بدون عوض شدن نور و موسیقی داریم تا همه چیز به آدم‌های روی صحنه شود.

البته نمایش به این سبک که همراه با مونولوگ باشد شاید کمی ریسک باشد و مخاطب را دیر درگیر کند.

قطعاً همین طور. اصلاً کاری که من کردم خیلی پرریسک است. انواع ریسک‌ها مثل نداشتن موسیقی، حرکت‌نور و صحنه را داریم و از آن سمت نمایش با یک زندگی روزمره که اتفاق کمی در آن می‌افتد شروع می‌شود و بحران و تراژدی در ۴۰ دقیقه آخر اتفاق می‌افتد. من می‌خواستم به دلایل مختلف این ریسک را کنم. اول اینکه لازم بود یک زندگی روزمره ببینیم چون اگر این را نمی‌دیدیم شخصیت‌ها را دوست نداشتیم که بعد نگرانشان شویم. کاری نداشت قصه را اول باورم ولی می‌خواستم تماشاگر در بهت نیم ساعت آخر از سالن بیرون برود. امیدوار بودم در بهت این شوک‌از سالن خارج شوند. من کلاً یک چیز متقدم که اگر کارگردان و نویسنده ریسک نکنند و جهان خودشان را نسازند هیچ اتفاقی نمی‌افتد. الان هر شب نزدیک به ۱۰۰ تئاتر در تهران اجرا می‌شود ولی خیلی از این آثار هیچ فرقی باهم ندارند. منتی را برداشته‌اند و سعی کرده‌اند کارگردانی خوبی کنند. حالا اگر چهرای هم داشته باشند می‌فروشند و اگر نداشته باشند نمی‌فروشند. اما یکسری کارگردان داریم که صاحب اثر و مؤلف هستند و من اینها را ججج می‌دهم. حتی اگر یک نمایش دانشجویی بدون تقلیدبینیم می‌گویم این جهان خودش را ساخته‌است و عمیبه ندارد اگر هنوز ابراداتی دارد. من این نمایش را به آن نمایشی که در وحدت اجرا می‌شود و کپی سوم کاری در اروپاست ترجیح می‌دهم. نگاهم به هنر این است که آن دانشجو خلقی در هنر به وجود آورده ولی آن آثار را اگر از نمایش خلق نکرده است، به‌نظرم کارهای اینجینینی که با تقلید

از مسائل اجتماعی مثل مهاجرت، طلاق و خانواده‌بدون بزرگنمایی صحبت کنم.

سجادافشاریان انتخاب‌اولت برای این نمایش بود؟

سجاد قبلاً یک نمایشنامه من را در شیراز کارگردانی کرده بود و او را می‌شناختم. موقع نوشتن به وحید آقاپور و نازنین احمدی فکر می‌کردم. سجاد انتخاب اولم نبود و می‌خواستم خودم این نقش را بازی کنم. اگر یک کارگردانی پیدا می‌کرد که ذهنیتش خیلی به من نزدیک بود ترجیح می‌دادم بازیگر و نویسنده‌اش باشم. برای این نقش به چند گزینه فکر کردم و نخستین کسی که با او صحبت کردم سجادافشاریان بود. از سجاد چند مونولوگ دیده بودم و چون بار اصلی نمایش هم مونولوگ است، سجاد گزینه خوبی برای این نمایش بود. من از همه بازیگرانم می‌خواهم هیچ افراق و حرکت نمایشی نداشته باشند. برایم این مهم‌ترین عامل در انتخاب بازیگر بود. برای این نقش بازیگر و نویسنده‌اش باشم. برای این نقش به چند گزینه فکر کردم و نخستین کسی که با او صحبت کردم سجادافشاریان بود. از سجاد چند مونولوگ دیده بودم و چون بار اصلی نمایش هم مونولوگ است، سجاد گزینه خوبی برای این نمایش بود. من از همه بازیگردانم می‌خواهم هیچ افراق و حرکت نمایشی نداشته باشند. برایم این مهم‌ترین عامل در انتخاب بازیگر بود. برای این نقش بازیگر و نویسنده‌اش باشم. برای این نقش به چند گزینه فکر کردم و نخستین کسی که با او صحبت کردم سجادافشاریان بود. از سجاد چند مونولوگ دیده بودم و چون بار اصلی نمایش هم مونولوگ است که من تعریف کرده‌ام. برایم تصویر خیلی اهمیت ندارد و تصویر به‌معنای استعاری در کارمان وجود ندارد.

قبول داری سجاد افشاریان مونولوگ‌ها را بهتر از دیالوگ‌ها می‌گوید؟

قبول دارم در مونولوگ بهتر است و یکی از دلایلم برای ضبط آهنگ این بود که بیشتر نقش مونولوگ دارد.

تماشاگران امروز تئاتر به خندیدن‌های بی‌جاذب‌اشده‌اند. یعنی برایشان فرقی نمی‌کند کار کمدی ببینند یا تراژدی‌ودر بیشتر صحنه‌ها در حال خندیدن هستند

این تناقض خیلی عجیب است

و در نمایش تو هم به‌ه‌ه‌ه‌ه دیده می‌شد که تماشاگر خندید در حال خندیدن‌های بی‌جاذب‌ها

تو را به عنوان کارگردان نمایش اذیت نمی‌کند؟

من می‌گویم بخشی‌های ما مقصر بودیم که وضعیت مخاطب امروز تئاتر اینچنین شده است. تئاتر امروز ایران در وضعیت دوگانه‌ای می‌شود و یک کمک‌بازیگر خلق می‌کنیم و بقیه‌اش دیالوگ می‌شود. دیالوگ هم نه به معنای ریاضصحت کردن بلکه به‌معنای این است که قصه‌ها بعد از بخش زیادی از تاریخ ادبیات نمایشی جهان دیالوگ است.

چرا پان نمایش ناگهان با یک پرش زمان چندساله مواجه شدیم؟

خودم این پرش زمانی را خیلی دوست دارم. این پایانی بود که قبل از تمام شدن نمایش به آن فکر کرده بودم. همان روزهایی که می‌نوشتم پایان کار را می‌دانستم اول چند صفحه نوشتم بعد پایان را نوشتم؛ سپس سراغ بقیه قسمت‌ها رفتم. من دوست دارم وقتی یک قصه منسجج عاطفی تعریف می‌کنم بدون قصه دادن درباره یکسری

تئاتر که پول و شهرت زیادی ندارد و اگر در این کار دنبال تأثیر گذاری نباشی که باطل ایاطیل می‌شوی. تمام لذت‌م این است تماشاگری که از سالن بیرون می‌رود کار را فهمیده و با آن خنده و گریه کرده باشد

تئاتر که پول و شهرت زیادی ندارد و اگر در این کار دنبال تأثیر گذاری نباشی که باطل ایاطیل می‌شوی. تمام لذت‌م این است تماشاگری که از سالن بیرون می‌رود کار را فهمیده و با آن خنده و گریه کرده باشد. تمام لذت‌م این است تماشاگری که از سالن بیرون می‌رود کار را فهمیده و با آن خنده و گریه کرده باشد

تئاتر که پول و شهرت زیادی ندارد و اگر در این کار دنبال تأثیر گذاری نباشی که باطل ایاطیل می‌شوی. تمام لذت‌م این است تماشاگری که از سالن بیرون می‌رود کار را فهمیده و با آن خنده و گریه کرده باشد

تئاتر که پول و شهرت زیادی ندارد و اگر در این کار دنبال تأثیر گذاری نباشی که باطل ایاطیل می‌شوی. تمام لذت‌م این است تماشاگری که از سالن بیرون می‌رود کار را فهمیده و با آن خنده و گریه کرده باشد

واگذاری جشنواره جهانی «هنر مقاومت» به بسیج هنرمندان

موضوعات پخته‌تر و جامع‌تر شود. جامعه هدف ما فقط ایران انقلاب و هم‌پاوران نبوده است. روشنفکران و مخاطبان جهانی را در این جشنواره داریم. مثلاً «انا بی‌بارن» کردم تا با مخاطب ارتباط برقرار کند و منظوم حس رفیق زیاد نیست و به عمد من این کار را نکردم. ما در کشفین شخصیت را نمی‌بینیم یا موسیقی حسی نمی‌شنویم ولی تأثیر حسی گذاشتن برایم خیلی مهم است. به‌نظرم تماشاگر از نمایش خلق تأثیر حسی نگیرد و در مرحله فکر کردن نمی‌شود.

امسال نیز برگزاری دومین دوره مسابقه کارتون و کاریکاتور هولوکاست به دبیری سیدمسعود شجاعی طباطبایی که دبیر بخش کاریکاتور جشنواره هنر مقاومت است، برگزار شد و امسال با گذشت سه سال از دوره قبلی دوره چهارم در حال برگزاری است که مهم‌ترین رخداد این جشنواره تاکنون تغییر منولی هنر مقاومت از جمله اینستکارات خوب و شایسته بسیج به عنوان یک افراخوان مهم است، برای اینکه پیشگامان هنر دینی و انقلابی را با نسل از مانجو در حوزه فرهنگ همراه کرده. دوره اول این جشنواره با هدیه مصطفی گودرز بر گزار شد و آثار



«سینماآنلاین» طرحی که قابلیت اجرایی آن صفر است

راه‌اندازی سامانه‌های ویدئوی درخواستی و تلویزیون تعاملی در کشور را امیدوار ایجاد می‌کند که رقابتی که در سال‌های اخیر میان شبکه خانگی و رسانه‌هایی چون تلویزیون و سینما رخ داده بود و البته رونقی نسبی را در هر کدام از این مدیوم‌ها ایجاد کرده بوده بیشتر شود اما اینکه هنوز زیرساخت‌های ایجاد تلویزیون تعاملی در کشور ایجاد نشده اپراتوری پیدا شود و از اکران فیلم‌های سینمایی در چنین سامانه‌ای یاد کند پیش از حد غیر متعارف به نظر می‌رسد.

در روزهای گذشته خبری منتشر شد مبنی بر آن که سامانه‌ای به نام «سینماآنلاین» که از سوی یکی از اپراتورهای تلویزیون تعاملی یا IPTV پوشش داده می‌شود به زودی در کشور راه‌اندازی خواهد شد. در اخبار مربوط به این پروژه از این گفته شده بود که در صورت اجرای این سامانه تمام آرشیبان در هر جای دنیا که باشند خواهند توانست به نمایش فیلم‌هایی بپردازند که در سینماها در حال اکران است. شخصی که به عنوان مدیر سینماآنلاین معرفی شده بود ادعا کرد، تمامی محصولات به همراه توضیحاتی درباره داستان و عوامل و برخی اطلاعات حاشیه‌ای ارائه خواهند شد و بینندگان قادر خواهند بود علاوه بر تماشای فیلم‌ها در حال اکران سینمای ایران، دیدگاه خود درباره هر فیلم را برای کاربران سینما آنلاین به نمایش بگذارند. ادعای موجود در این خبر و گفته‌های این مدیر انقدر فانتزی بود که کمتر کسی آن را جدی گرفت. فقط کافی است تمرکز کنیم بر سر تواتر اینترت در کشور ما و به خصوص کاهش سرعت در مناطق دور از مرکز تا در پایین ادعای اکران آنلاین سینمایی از طریق اینترنت چندقره هوادوبه نظر می‌رسد. فارغ از درگیری‌های وزارت ارشاد و صداوسیما به عنوان دایعه‌داران مالکیت این سامانه‌ها، یکی از دلایلی که این دو سامانه توانستند در کشور ما پیشرفت محسوسی داشته باشند یکی پایین بودن سرعت اینترنت است و دیگری عدم آشنایی زیرساخت‌های مخابراتی لازم. بحال پرسش اینجاست چطور با این کیفیت اینترنت بنامت سینماآنلاین راه‌بیبند؟ به جز این راه‌اندازی این سامانه پیش از هر چیز حیات سینمای ایران را به خطر خواهد انداخت. پادمان نمی‌رود زمانی در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ کپی شدن سریع آثار سینمایی از روی رده و عرضه آنها در بازار قاچاق سبب ساز کاهش چشمگیر مخاطبان سینماها شده بود. در چند سینماآنلاین به پرداخت هزینه پخش به مخاطبان سرویس خواهد داد اما فارغ از آن که سنت سینما رفتن دوره‌می با این طرح به چالش کشیده می‌شود ارایه آن وی خطر و البته پرزد آمدی برای قاچاقچیان مانند نوزاد ترفنی ندارد. کپی محصولات عرضه شده در سینماآنلاین سود خوبی به جیب بزنند. در حالی که در همین اوضاع و احوال فعلی که سینماآنلاینی وجود ندارد اوضاع سینماها جز موعدهایی مانند نوزاد ترفنی ندارد. اینکه سامانه‌ای ایجاد شود که کلاً در جهت کمک به کسادی بیشتر سینماها حرکت کند چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟

همه جنبه بوده که از یک طرف مخالفت سیدضیاء هاشمی، رئیس اتحادیه تهیه‌کنندگان سینما را موجب شده و از طرف دیگر مخالفت غلامرضا فرجی سخنگوی شورای صنفی نمایش را در برداشته است که در آن نیز این نتیجه عاید شده است که آن دسته از آثاری که در این طرح عرضه شود از سوی سینماداران تحریم شده و اکران رسمی آنها معلق خواهد شد. با این واکنش و آن پرسش قطعاً راه‌اندازی سینماآنلاین به این راحتی‌ها میسر نخواهد شد مگر آن که فقط به نمایش آثاری اختصاص داشته باشد که اکران رسمی آنها پایان پذیرفته است که در آن صورت هم دیگر ارزش رایت ویدیویی فیلم‌ها به شدت نزول خواهد کرد.

می‌تواند داشته باشد؟

همه جنبه بوده که از یک طرف مخالفت سیدضیاء هاشمی، رئیس اتحادیه تهیه‌کنندگان سینما را موجب شده و از طرف دیگر مخالفت غلامرضا فرجی سخنگوی شورای صنفی نمایش را در برداشته است که در آن نیز این نتیجه عاید شده است که آن دسته از آثاری که در این طرح عرضه شود از سوی سینماداران تحریم شده و اکران رسمی آنها معلق خواهد شد. با این واکنش و آن پرسش قطعاً راه‌اندازی سینماآنلاین به این راحتی‌ها میسر نخواهد شد مگر آن که فقط به نمایش آثاری اختصاص داشته باشد که اکران رسمی آنها پایان پذیرفته است که در آن صورت هم دیگر ارزش رایت ویدیویی فیلم‌ها به شدت نزول خواهد کرد.



اکبر عبدی باید چند ماه در قرنطینه باشد

حال عمومی اکبر عبدی رو به بهبود است اما باید چند ماه دیگر در قرنطینه به سرس برسد.
علی عبدی کوچک‌ترین برادر اکبر عبدی بازیگر پیشگسوت سینما گفت: حال این بازیگر رو به بهبود است و طبق دستور پزشک در قرنطینه به سر می‌برد. او در حال حاضر در شمال کشور استراحت می‌کند و چند ماه دیگر نیز باید در شرایط ایزوله قرار داشته باشد.
جمعوع پزشکان از انجام عمل پیوند عبدی راضی هستند و او باید استراحت مطلق در یک شرایط ایزوله داشته باشد. برادر وی از اینکه سینماگران و کلون بازی‌نشانگان تاچه اندازه جویای حال اکبر عبدی بودند اظهار بی‌اطلاعی کرد.
اکبر عبدی که این روزها فیلم سینمایی «سواپی ۲» را بر پرده سینماها در حال اکران دارد به خاطر نارسانی کلیه تحت عمل پیوند کلیه قرار گرفته بود. این بازیگر به خاطر از کار افتادگی کلیه‌هایش که ناشی از عوارض دیابت با بیماری قند او بوده، به توصیه پزشک معالج برای پیوند کلیه در بیمارستان بستری و عمل پیوند کلیه‌اش صبح پنج‌شنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه با موفقیت انجام شد.

عکاس ایرانی برنده رقابت یونسکو شد

سارا مردانی از ایران به عنوان یکی از برندگان رقابت بین‌المللی عکس یونسکو انتخاب شد. رقابت بین‌المللی عکس یونسکو که با هدف حمایت از کتاب و مطالعه و با تأکید بر پیام شکیبایی بر گزار شده بود، در میان برندگان این دوره سارا مردانی را نیز انتخاب کرد. این رقابت در حاشیه روز جهانی کتاب و کپی رایت که توسط یونسکو هر سال در ۲۳ آوریل بر گزار می‌شود، در تیب داده شده بود. عکس‌ساز: